

حسابرسان در میانه‌ی تعارض سنت و مدرنیته

گفت‌وگو با بهروز دارش



این بار، از زاویه‌ای دیگر، با نگاهی تاریخی، به گفت‌وگو با حسابرسی می‌نشینیم که آنچه که می‌گوید و آنچه که می‌نویسم را تنها و تنها گشایش بابی به سوی ریشه‌یابی چالش‌های تاریخی و بنیادین حرفه‌ی حسابرسی می‌داند؛ نه بیش و نه کم.

که داریم در گرو استقلال و آزادی حرفه‌ای ماست. که این هر لحظه می‌تواند تحت تاثیر عوامل بیرونی و یا از طریق نقصان در اجرای دو اصل دیگر حسابرسی مورد خدشه و سوال قرار می‌گیرد. به‌طور کلی هر پدیده‌ای در جهان به‌منظور حفظ هویت و اصالت و تداوم و پیشرفت خود نیازمند حداقل فضای تنفس در ارتباط با دو مقوله‌ی تفکیک‌ناپذیر یادشده است.

نگاهی گذرا به تاریخ شکل‌گیری حرفه‌ی حسابرسی در ایران، موضوعی دیگری که در این گفتگو مورد توجه قرار گرفت. دارش گفت: با بازگشت به سال‌های دهه‌ی ۲۰ (قانون شناسایی حسابداران قسم‌خورده) و گذار از تشکیل کانون حسابداران رسمی (حسابداران رسمی اول) تاسیس انجمن حسابداران خبره ایران، تاسیس سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل جامعه‌ی حسابداران رسمی حاضر (جامعه‌ی حسابداران رسمی دوم) و باتوجه و در نظر گرفتن نقش و موقعیت تعیین‌کننده‌ی دولت در اکثر رخدادهای مهم فوق و سایر رخدادهای مشابه به آسانی نمی‌توان قبول کرد که حرفه‌ی حسابرسی در ایران در روند شکل‌گیری و سیر تکامل خود از استقلال و آزادی مطلوبی برخوردار بوده باشد. با نگاهی نمادی: ”زیر سایه‌ی سنگین درختان بزرگ

به‌صورت دور تسلسل اعتبار و موجودیت یکدیگر را مشروط می‌کنند، افزود: در عمل کلیه‌ی چالش‌های پیش رو به هر ترتیب و در هر زمان حول و حوش این سه محور در جریان است. چالش‌ها معمولاً ترکیبی و متکثر بوده و با فضای زمان و مکان و موقعیت، نمود یافته و جلوه‌گری می‌کنند. لذا هر آینه باید به‌صورت مجموعه‌ای مرتبط مورد توجه و بررسی قرارگیرند. به‌نظر من هر سه اصل یادشده در حرفه‌ی حسابرسی دارای اهمیت هستند، ولی چنانچه به اصرار به ذکر اهمیت داشته باشیم با کمی تساهل، استقلال و آزادی حسابرس می‌تواند مهم‌ترین تلقی گردد.

مدیرعامل موسسه‌ی حسابرسی دش و همکاران ضمن اشاره به این موضوع که تمام تلاش‌ها و کوشش‌های حسابرس در نهایت در جهت دست‌یابی به یک اظهارنظر مستقلانه و منصفانه در ارتباط با نتایج حاصل از رسیدگی به یک فعالیت مالی مشخص است، تاکید کرد: چنانچه استقلال و آزادی حسابرس در این زمینه فراهم نباشد، عملاً تلاش‌ها و ممارست‌های حرفه‌ای مربوط با اجرای کار، رفتار و اخلاق حرفه‌ای، نتیجه‌ی چندان مطلوبی در برنخواهد داشت. آنچه در این زمینه می‌توان به طور خلاصه و روشن گفت این است که عزت و ظرافت حرفه‌ای

بهروز دارش، حسابدار رسمی و مدیرعامل موسسه‌ی حسابرسی دش و همکاران، سخنان خود را این‌گونه آغاز می‌کند: بی‌شک حرفه‌ی ما، با چالش‌های بنیادینی مواجه است. چالش‌هایی که ریشه و بنای آن را باید به گونه‌ای فلسفی و تاریخی مورد بررسی قرار داد. آن‌چه من به آن اشاره خواهم کرد از سایر مباحث ارائه شده، متفاوت است. می‌خواهم به ریشه‌های دیرین و تاریخی چالش‌های حرفه‌ی حسابرسی بپردازم. این حرفه با چالش‌های تاریخی خود، به آستانه‌ای رسیده است که هر چه اکنون رخ می‌دهد در متن این جریان تاریخی است که نمی‌توانیم به آن بی‌توجه باشیم.

دارش خاطر نشان کرد: حرفه‌ی حسابرسی به‌گونه‌ای که امروز به کار می‌بریم بر سه پایه یا اصل بنا نهاده شده که در واقع سه ضلع مثلثی را تشکیل می‌دهند که حرفه‌ی حسابرسی بر آن استوار است:

- ۱- استقلال و آزادی حرفه‌ای (استقلال حسابرس)
 - ۲- اصول و ضوابط اجرای کار (استانداردها)
 - ۳- آیین رفتار حرفه‌ای (اخلاق و منش حرفه‌ای)
- وی با بیان این مهم که سه مقوله‌ی یادشده دارای رابطه‌ی تنگاتنگ بوده و

چیزی بارور نمی‌شود.

وی ادامه داد: همانطوری که ذکر شد چالش‌های حرفه‌ای حسابرسی منحصر به مقوله‌ی استقلال حرفه‌ای نبوده بلکه تدوین و به‌کارگیری اصول و ضوابط اجرایی کار حسابرسی (استانداردها)، نیز با چالش‌های ریشه‌ای و تاریخی مواجه بوده است. تردیدی نمی‌توان کرد که حرفه‌ی حسابرسی از مقولات مدرنیته بوده و از شاخصه‌های جامعه‌ی مدرن است که در یک فرایند طبیعی در جریان نوگرایی جامعه‌ی غرب همخوان با سایر اجزا و شرایط جامعه به‌صورت ارگانیک رشد و تکامل یافته است. اصول و ضوابط حرفه‌ی حسابرسی زاده‌ی جامعه‌ی لیبرال و سکولار غرب بوده و طبیعی است اقتباس و به‌کارگیری آنها در جوامع در حال گذار و سنتی، چالش‌آفرین بوده و با تنگناها و محدودیت‌های ساختاری این جوامع مواجه است.

دارش بر این باور است که حرفه‌ی حسابرسی را نمی‌توان صرفاً به‌کارگیری مجموعه‌ای از فنون در نظر گرفت. با توجه به محدوده‌ی دانشی که امروزه داریم، فکر قدیمی تلقی حسابرسی به‌عنوان یک فن چندان معتبر نیست.

واقعیت این است که حسابرسی وضعیتی دوگانه یافته و به سبب اهمیت انکارناپذیر مقولاتی اجتماعی همانند استقلال و اخلاق و رفتار در این حرفه و رابطه‌ی تنگاتنگ این مقولات به ساختار اجتماعی جامعه‌ی حسابرسی امروزی حیطه‌ی خود را تا مرز توجه به علوم اجتماعی می‌کشاند.

وی جامعه‌ی ایران را جامعه‌ی سنتی در حال گذار به مدرنیته می‌داند و چالش‌های اساسی حرفه‌ی حسابرسی را از این زاویه‌ی دید مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت دگرگونی‌های حرفه‌ی حسابرسی را موقوف به تحولات کلی جامعه‌ی ایران در چارچوب چالش‌های فیما بین سنت و مدرنیته ارزیابی می‌کند. با نگاهی به پیشینه‌ی تاریخی و مناسبات امروزی جامعه‌ی ایران به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که جامعه‌ی ما

جامعه‌ای مبتنی بر وحدانیت، دین، آیین و اسطوره بوده و درگیر چالش‌های پی‌گیر و طولانی مدت در جهت گذار به مدرنیته است.

وی تصریح کرد: بدون هیچ‌گونه ارزش‌دوری، جامعه‌ی غربی، جامعه‌ای این دنیایی، عرفی و مبتنی بر عقلانیت است. لذا در بسیاری موارد شاخصه‌های اجتماعی آن به‌آسانی قابل اقتباس و انطباق و اجرا، در جامعه‌ای، مبتنی بر سنت‌های ریشه‌دار نیست.



دارش به ذکر چند مثال عینی در این زمینه پرداخت و در خاتمه چالش‌های مربوط به آیین و رفتار حرفه‌ای را چنین مطرح کرد: نخست آن که شاهد چالش فیما بین سنت و مدرنیته در عالی‌ترین سطح جامعه هستیم. دوم- چالش‌های مربوط به سیستم بانکی و نرخ بهره

سوم - چالش‌های فیما بین تعهد و تخصص

چهارم- عدم تفاهم موجود فی ما بین حسابداری و حسابرسی در زمینه‌های مختلف حرفه‌ای ناشی از شکاف موجود فیما بین سطح دانش حسابداری و استانداردهای مورد توقع و عمل حسابرسی.

وی با اشاره به این که چون آیین رفتار حرفه‌ای اساساً ریشه در اخلاق و رفتار اجتماعی داشته و با توجه به ریشه‌های عمیق

اخلاقی و رفتار سنتی در جامعه ایران اجرای آیین رفتار حرفه‌ای نسبت به سایر موارد با چالش‌های جدی‌تری روبرو بوده است، یادآور شد: اسطوره‌ی اخلاق ایرانی نوعی ثنویت اخلاقی است یعنی دوگانه‌ی متضاد نیکی و بدی، اهریمن و اهورا مزدا، سپید و سیاه کردن‌های اخلاقی که در آن در نهایت نیکی بر بدی باید پیروز شود، در صورتی که جامعه‌ی مدرن این نوع اخلاق و مناسبات را بر نمی‌تابد.

این عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی افزود: باید توجه داشت که جدی‌ترین چالش‌ها در ارتباط با تعاملات اجتماعی و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها مبتنی بر تعارضات و اختلاف اخلاقی بوده که به‌صورتی متفاوتی عمل می‌کند. این گونه تعارضات و تناقضات را می‌توان در قوانین حقوقی، جزایی، مالی و به‌خصوص روابط بین‌المللی و سیاست خارجی کشورمان به‌آسانی مشاهده کرد.

آن‌طور که می‌دانیم در حرفه‌ی حسابرسی چهار نوع اظهار نظر وجود دارد که حسابرس بر اساس آن‌ها با توجه به واقعیت موجود اظهار نظر می‌کند در صورتی که در سطح جامعه به‌جای اظهار نظر، توقع ارزش‌دوری مبتنی بر دوئیت، رد - قبول، مورد انتظار است.

مثالی هم به میان می‌آورد: برای مثال گزارش‌های دبیرکل آژانس بی‌المللی در زمینه‌ی فعالیت هسته‌ای ایران، اکثراً مبتنی بر عدم اظهار نظر بوده که این نوع اظهار نظر به‌دیده‌ی دولتمردان ما مثبت ارزیابی شده و نوعی تایید تلقی می‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که اجرای موفقیت‌آمیز آیین رفتار حرفه‌ای بدون وجود پس‌زمینه‌های مناسب اخلاقی، فرهنگی جای تردید دارد و متأسفانه طی چند دهه‌ی گذشته جامعه‌ی ما گرفتار نوعی فروپاشی اخلاقی بوده که این امر خود مزیدی بر چالش‌های موجود است.

دارش سخنان خود را با بیان این جملات به پایان رساند: غرض از ذکر این مختصر را فقط گشایش بانی به‌سوی ریشه‌یابی چالش‌های تاریخی و بنیادین حرفه‌ی حسابرسی می‌دانم؛ نه بیش و نه کم.